

بررسی مقایسه‌ای مهارت‌های معاشناختی در پسران مبتلا به سندرم داون با پسران دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون

زهرا افتخاری (M.Sc)*

چکیده

سابقه و هدف: تحقیق حاضر به مقایسه درک صفات ساده، تفضیلی و عالی در پسران مبتلا به سندرم داون و پسران دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون در مدارس استثنایی محدوده مرکزی شهر تهران می‌پردازد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند کودکانی که قادر به نگهداری ذهنی هستند درک و فهم بهتری از صفات دارند. از سوی دیگر بررسی مهارت‌های زبانی کودکان دارای نارسایی ذهنی، حاکی از وجود مهارت‌های زبانی ضعیف‌تری در کودکان مبتلا به سندرم داون است. هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر سندرم داون بر مهارت‌های معاشناختی زبان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق، نمونه‌ها با روش نمونه‌برداری نظام دار انتخاب شدند. ابتدا آزمون‌های عملیاتی روی ۲۲۵ آزمودنی از ۹ مدرسه انجام شد که بر اساس زبان واحد و فقدان معلولیت حسی- حرکتی، تاریخ تولد، پایه تحصیلی، مردودی در پایه‌های قبلی، شغل و تحصیلات والدین، همسان شده بودند. سپس روی ۹۰ نفر از آن‌ها آزمون ریون رنگی انجام شد و کسانی که بین ۸ تا ۱۶ امتیاز کسب کردند (کودکان آموزش پذیر) در آزمون درک صفات شرکت نمودند.

یافته‌ها: مقایسه عملکرد آزمودنی‌ها در آزمون درک صفات، حاکی از آن است که در سطح $a=0/05$ ، آزمودنی‌های سندرم داون در درک صفات تفضیلی، عملکرد ضعیف‌تری دارند. اما در درک صفات ساده و عالی بین دو گروه، تفاوتی ملاحظه نمی‌شود.

استنتاج: براساس یافته‌های فوق، می‌توان گفت کودکان مبتلا به سندرم داون، مهارت‌های معاشناختی ضعیف‌تری نسبت به سایر کودکان دارای نارسایی ذهنی دارند.

واژه‌های کلیدی: نگهداری ذهنی، مهارت‌های معاشناختی، سندرم داون- نارسایی ذهنی

مقدمه

معنا به عنوان هسته مرکزی روند ایجاد ارتباط، اهمیت خاص دارد (۲). پژوهش‌های موجود در کشور به معاشناسی، کم‌تر از جنبه‌های دیگر زبان پرداخته‌اند. بنابراین دانش ما تا حد زیادی متکی بر پژوهش‌های

نارسایی ذهنی به عنوان پدیده‌ای که بشر در طول حیات خود همواره با آن مواجه بوده است مستلزم توجه پژوهشگران علوم مختلف می‌باشد (۱). اختلال در گفتار و زبان از بارزترین اختلالات در افراد دارای نارسایی ذهنی است و میان جنبه‌های مختلف زبان،

* کارشناسی ارشد گفتار درمانی، مربی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

✉ تاریخ دریافت: ۸۲/۳/۳ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۸۲/۵/۱۹ تاریخ تصویب: ۸۲/۸/۱۴

✉ سمنان: دانشکده توانبخشی

شاهد و مورد در درک صفات ساده، یکسان عمل می‌کنند، اما در درک صفات تفضیلی و عالی عملکرد یکسانی ندارند.

نتایج تحقیق حاضر می‌تواند مسؤولین تدریس کتب آموزشی استثنایی را در جهت دستیابی به واژگان متناسب با سن و سطح شناخت کودک، یاری دهد. در حیطه درمان، اختلالات گفتار و زبان، دقت درمان‌گران را در آموزش مفاهیم برمی‌انگیزد تا از به کار بردن محرک‌های دل‌بخوایی خودداری کنند و متناسب با سطح شناخت کودک به درمان اختلالات گفتار و زبان او همت گمارند. برای آن دسته از پژوهشگران زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان که علاقه‌مند به تحقیق روی نقاط کور شد زبان هستند، نتایج این بررسی می‌تواند جالب توجه باشد. نتایج این تحقیق همچنین به کامل کردن تصاویر ذهنی و عملی متخصصین که در رابطه با مشکلات کودکان دارای نارسایی ذهنی تلاش می‌کنند و والدین کودکان دارای نارسایی ذهنی کمک می‌نماید.

مواد و روش‌ها

این مطالعه تحلیلی و از نوع مورد-شاهدی می‌باشد. نمونه‌ها از مدارس پسرانه استثنایی محدوده مرکزی شهر تهران به روش نظام دار انتخاب شدند: ابتدا اسامی مدارس (۹ مدرسه) مشخص گردید. در هر مدرسه پرونده تحصیلی و پزشکی کودکان مبتلا به سندرم داون بررسی شد و از میان آن‌ها کودکانی که یک‌زبانه و فاقد معلولیت حسی-حرکتی بودند، انتخاب شدند و مشخصات آن‌ها شامل تاریخ تولد، پایه تحصیلی، مردودی در پایه‌های قبلی، شغل و تحصیلات والدین در برگیرنده پرسشنامه ثبت گردید. برای انتخاب گروه شاهد، پرونده کودکان دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون بررسی شد و از میان آن‌ها کودکانی که نارسایی ذهنی آن‌ها علت مشخص داشت، حذف شدند و بقیه بر اساس

خارجی است که به دلیل تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و زبانی، راهگشای مشکلات آسیب‌شناسان گفتار و زبان در درمان اختلالات گفتار و زبان افراد دارای نارسایی ذهنی نخواهند بود.

مطالعه معنا در زبان، مستلزم توجه به توانایی‌های شناختی است (۷۳). از دیدگاه مراحل تحول شناختی پیازه، کودک دارای نارسایی ذهنی در گذر از سطوح پایین‌تر تفکر به سطوح بالاتر با مشکل مواجهه است و بنابراین تفکر عینی دارد که اثر مستقیم آن بر کارکردهای اساسی زبان ملاحظه می‌گردد. (۶،۴۳).

پژوهشگران بر این باورند که گروه‌های مختلف کودکان دارای نارسایی ذهنی، توانایی‌های زبانی یکسانی ندارند. به عنوان مثال کرنال و سابسی (۱۹۹۶)، توماسلووفارر (۱۹۹۸) و دانکلی (۲۰۰۱) در پژوهش‌های مختلف گزارش می‌کنند کودکان مبتلا به سندرم داون نسبت به سایر کودکان در درک و بیان مهارت‌های معناشناختی، ضعیف‌تر عمل می‌کنند (۸ تا ۱۱).

در مطالعه معنا، واژگان یکی از حیطه‌های مورد بررسی است و واژگان وصفی که سومین گروه بزرگ از واژگان هستند، در روند رشد گفتار و زبان کودک دارای نارسایی ذهنی نیز وسیله انتقال مفاهیم متعددی می‌باشند. اختلاف درکی میان انواع مختلف صفات (کمی، کیفی و ابعادی) نیز مکرر گزارش شده است (۵، ۷، ۸).

سه‌شکل ساده، تفضیلی و عالی صفات نیز در مراحل رشد شناختی، وارد خزانه واژگانی کودک می‌شوند (۲، ۳، ۶). بنابراین بررسی ادراک این صورت‌ها در کودکانی که به لحاظ شناختی در یک سطح قرار دارند، می‌تواند تأثیر یک عامل اضافی-سندرم داون-را بسنجد. هدف از این بررسی، شناخت تفاوت درکی شکل ساده، تفضیلی و عالی صفات ابعادی بین کودکان مبتلا به سندرم داون و کودکان دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون است و فرض بر این است که گروه

۴- مقایسه زمان انجام آزمون درک صفات ساده در آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون مقدار $P_v=0/4235$ را می‌دهد که در سطح $a=0/05$ می‌توان نتیجه گرفت: سرعت آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون درک صفات ساده، یکسان است.

۵- مقایسه زمان انجام آزمون درک صفات تفضیلی در آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون مقدار $P_v=0/4116$ را می‌دهد که در سطح $a=0/05$ می‌توان نتیجه گرفت: سرعت آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون درک صفات تفضیلی، یکسان است.

۶- مقایسه زمان انجام آزمون درک صفات عالی در آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون مقدار $P_v=0/2594$ را می‌دهد که در سطح $a=0/05$ می‌توان نتیجه گرفت: سرعت آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون درک صفات عالی، یکسان است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: شاخص‌های آماری آزمون درک صفات ساده، تفضیلی و عالی در آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون

| زیرآزمون شاخص آماری | درک صفات ساده | | درک صفات تفضیلی | | درک صفات عالی | |
|------------------------------|---------------|------------------|-----------------|------------------|---------------|------------------|
| | سندرم داون | غیرسندرم داون | سندرم داون | غیرسندرم داون | سندرم داون | غیرسندرم داون |
| میانگین نمره | ۵/۸۸ | ۶/۵ | ۵/۵ | ۶/۵ | ۴/۹۴ | ۵/۸۸ |
| انحراف معیار | ۱/۴۵ | ۱/۱ | ۱/۴۱ | ۱/۰۳ | ۱/۹۱ | ۱/۷۵ |
| P value | ۰/۱۹۴۰ | ۰/۰۳۲۲ | ۰/۰۳۲۲ | ۰/۰۳۲۲ | ۰/۱۶۴۴ | ۰/۱۶۴۴ |
| میانگین زمان (دقیقه) | ۱/۵۹ | ۱/۷۲ | ۱/۹۱ | ۱/۸۴ | ۲/۳۱ | ۲/۰۶ |
| انحراف معیار زمان (دقیقه) | ۰/۴۶ | ۰/۴۱ | ۰/۴۲ | ۰/۴ | ۰/۶۶ | ۰/۴۴ |
| P value | ۰/۴۲۳۵ | ۰/۴۱۱۶ | ۰/۴۲۳۵ | ۰/۴۱۱۶ | ۰/۲۵۹۴ | ۰/۲۵۹۴ |

تاریخ تولد، پایه تحصیلی، مردودی در پایه‌های قبلی، شغل و تحصیلات والدین با کودکان سندرم داون همسان شدند (۲۲۵ آزمودنی). بر روی این عده آزمون‌های عملیاتی (نگهداری ذهنی مقدار مایع، نگهداری ذهنی ژتون‌ها و درون گنجی طبقات) با استفاده از ابزار آزمون‌های دونالدسون انجام شد (۴) و افرادی که بین ۲ تا ۶ امتیاز کسب کردند (۹۰ کودک) توسط کارشناس ارشد روان‌شناسی با آزمون ریون رنگی آزمون شدند و کسانی که بین ۸ تا ۱۶ امتیاز کسب نمودند (گروه آموزش پذیر) - ۱۶ کودک سندرم داون و ۱۶ کودک دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون - در آزمون درک صفات (۹) شرکت کردند. کلیه آزمون‌ها به صورت انفرادی انجام گردید.

یافته‌ها

با به کارگیری آزمون Student در بررسی اثر متغیرها در سطح $a=0/05$ مشخص گردید:

۱- مقایسه عملکرد آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون درک صفات ساده مقدار $P_v=0/1940$ را می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت: عملکرد آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در درک صفات ساده، یکسان است.

۲- مقایسه عملکرد آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون درک صفات تفضیلی میزان $P_v=0/0322$ را می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت: عملکرد آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در درک صفات تفضیلی، یکسان نیست.

۳- مقایسه عملکرد آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در آزمون درک صفات عالی میزان $P_v=0/1644$ را می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت: عملکرد آزمون‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در درک صفات عالی، عملکرد یکسانی دارند.

بحث

یافته اصلی تحقیق حاضر، حاکی از تفاوت عملکرد آزمودنی‌های سندرم داون و غیرسندرم داون در درک صفات تفضیلی است.

در این بررسی کودکان سندرم داون در مقایسه با گروه شاهد توانایی‌های ضعیف‌تری در درک صفات تفضیلی نشان دادند. یافته فوق مطابق با نتایج تحقیق دانکلی (۲۰۰۱) و توماسلووفارر (۱۹۹۸) می‌باشد (۱۱۸). محققین یاد شده اشاره می‌کنند توانایی‌های زبانی ویژه در دوره عملیات عینی، شکل‌گیری مفهومی تفضیلی صفات می‌باشد (۱۱۸،۳) و سندرم داون به عنوان آسیب ذهنی که رشد گفتار و زبان را با تأخیر مواجه می‌سازد، سبب می‌شود تا احتمالاً فرد مبتلا در مراحل بالاتر تحول شناختی به این توانایی دست یابد.

از دیدگاه پیچیدگی درکی، درک صفات ساده مستلزم توجه به یک بعد است که در حیطه توانایی‌های شناختی کودک که در مرحله پیش عملیاتی می‌باشد. بنابراین کودکان بررسی شده که در مرحله‌ای بالاتر- عملیات عینی- هستند، صفات ساده را درک می‌کنند. درک صفات تفضیلی مستلزم توجه همزمان به دو بعد است که کودک در مرحله عملیات عینی که اعمال ذهنی او ویژگی بازگشت پذیری پیدا می‌کند و قادر می‌شود بر چند بعد به طور همزمان تمرکز کند، به این توانایی می‌رسد. بنابراین انتظار می‌رود گروه شاهد و مورد که به لحاظ شناختی در مرحله عملیات عینی هستند در درک این گروه از صفات، یکسان عمل کند؛ در حالی که نتایج تحقیقات مختلف و تحقیق حاضر، ضعف زبانی مبتلا به سندرم داون را ناشی از تأثیر سندرم

می‌دانند. در پاسخ به این مطلب می‌توان به علل ویژه موجد نقایص زبانی در افراد سندرم داون اشاره نمود:

آسیب عصب شنوایی، اوتیت مزمن گوش میانی و ناهنجاری‌های تشریحی، عملکردی و شیمیایی- عصبی مغز، نیمکره غالب زبانی راست، نقص در حافظه شنیداری کوتاه مدت و نقص در سرعت پردازش شنیداری از مواردی هستند که بر اکتساب و به کارگیری مهارت‌های زبانی اثر منفی می‌گذارند (۲). بنابراین در مورد کودکان مبتلا به سندرم داون، مهم‌ترین عامل در یادگیری زبان، خود سندرم است و عواملی مثل دوزبانگی، محیط اجتماعی نامناسب و مشکلات شناختی در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرند.

در آزمون درک صفات عالی به واسطه آن که سه شیء در سه اندازه مختلف به طور همزمان در اختیار آزمودنی قرار می‌گیرند، آزمودنی با کمک دانش زبانی خود و درکی که از موقعیت دارد، پاسخ می‌دهد. بدین معنا که در پاسخ به محرک کلامی «بزرگ‌ترین»، کافی است آزمودنی، مفهوم «بزرگ» را بداند تا به پاسخ درست برسد. در حالی که در آزمون درک صفات تفضیلی، سه شیء ۳ و ۲ و ۱ که $3 < 2 < 1$ است دوبار و هر بار دوتای آن‌ها به کودک ارائه می‌شود (۳ و ۲) یک بار (۲ و ۱) بار دیگر. در واقع به طور دقیق دانش کودک در درک صفات مورد نظر بررسی می‌گردد. کودک یک بار شیء ۲ را در قیاس با ۳ تحت عنوان کوچک‌تر، کدگردانی می‌کند و بار دیگر همان شیء را در قیاس با ۱ مجبور است تحت عنوان بزرگ‌تر، کدگردانی کند. حال آن‌که در آزمون درک صفات ساده و عالی، توجه کودک که به یک بعد جلب می‌شود و بر اساس آن به پاسخ درست دست می‌یابد.

- relational terms used in conversation. Child development. 1999; 42: 767-779.
8. Dunkley, Candida. Semantic feature perceptual exceptions & frequency as factors in the learning of polar spatial adjectival concepts. *Journal of communication disorders*. 2001; 29: 401-417.
 9. Kernan K, Sabsay S. Linguistic & cognitive ability of adults with down syndrome & Mental Retardation of unknown etiology, *Journal of communication disorders*. 1996; 29: 401-417.
 10. Stratford, B. Gunn, P. *New approaches to down syndrome*. London: Casser, 1996, 37-49.
 11. Tomasello K, Farour E. How Young Children comprehend some adjectives & Comparative sentences. *Cognition*. 1998; 28: 402-406.
- فهرست منابع
۱. افروز، غلامعلی. *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و توانبخشی کودکان مبتلا به سندرم داون*. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲.
 2. Hudson, R. *Child Language* Newyork: Routledge, (1995). 98-120
 ۳. پایزه ژان. ترجمه نیکچهر، محسن پنج‌گفتار *روان‌شناسی*. تهران: نشر بنیاد ۱۳۷۳.
 ۴. دونالدسون مارگارت ترجمه حسین نانلی. *ذهن کودک*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
 5. Clark mike. In the child's acquisition of antonyms in two semantic fields. *Journal of verbal learning & verbal behaviour*. 1992; 11: 750-758.
 6. Cromer, R *language & thought in normal & handicapped children*. London Whurr, 1991, 253-280.
 7. Harasym, Carolyn R. & Boersma, Fredic J. *Semantic differential analysis of*